



معاونت فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران



پوریت

- سردبیر: ستاره آزاد
- مدیرمسئول: امیررضا جلیلی
- صاحب امتیاز: کانون خبرنگاران سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی
- شماره دوم؛ سال اول؛ بیست و هفتم آبان ماه ۱۴۰۴
- طراح جلد و صفحه آرا: محمد ابراهیم نورالهی

به نام او...

در جهانی که هر صدا معنایی دارد
و هر واژه نشانی از حضور است، ما
در هیأت تحریریه پورسینا تلاش
می‌کنیم صدای خود را بسازیم و
پژواک صدای شما باشیم.

در روزهایی که سرمای پاییز
غافلگیرمان کرده، در گرمای
جمع خود کنار هم می‌نشینیم
تا شماره‌ای تازه از پورسینا را
برایتان آماده کنیم؛ شماره‌ای
که از اشک و پرسش‌هایی در
باب اندیشه می‌گذرد، از خبرهای
دانشگاه می‌گوید و به دغدغه‌های
دانشجویی می‌پردازد.

پورسینای این هفته، از جنس
شماست؛ جایی از خود ما، برای
گفتن و شنیدن، و صدایی از دل
شما.

به پورسینا خوش آمدید.



کانال تلگرام پورسینا

در پرونده ویژه این هفته بخوانید

ساخت و ساز در محدوده میراث ملی

روایت یک اتاقک

در محدوده ثبت شده دانشگاه تهران به عنوان
میراث ملی، ساخت و سازی انجام شده که هنوز
اطلاعات رسمی درباره مجوز یا استعلام آن منتشر
نشده است؛ اتاقک حراست پورسینا. در حالی که
هرگونه تغییر در این محدوده باید با نظر میراث
فرهنگی انجام شود، نبود شفافیت، پرسش‌هایی
جدی درباره روند تصمیم‌گیری ایجاد کرده است؛
پرسش‌هایی که همچنان منتظر پاسخ‌اند.

بودم که این جملات به گوشم خورد:

– بچه‌ها اینجا دیگه جا نداره! پیاده شیم با سرویس بعدی بریم. آقا لطفا در رو باز کن!

– یه کم سرپا تحمل کنین. دیگه بعد از این سرویسی نیست که شما رو ببره!

و این‌گونه بود که تعداد زیادی از دانشجویان سرپا در میانه‌ی اتوبوس قرار گرفتند. به هر شکلی که بود، اتوبوس به راه افتاد. حوالی پل پارک‌وی ناگهان متوقف شدیم. بچه‌ها که دلیل توقف را جویا شدند راننده به آن‌ها گفت: «مقصد من جنت‌آباد است نه دانشگاه تهران!» از ما اصرار که دانشگاه هزینیه اضافه را با شما حساب خواهد کرد و از راننده انکار که من تا مبلغ اضافه را دریافت نکنم، حرکت نخواهم کرد. به هر شکلی که بود با تماس‌های فراوان بالاخره راننده راضی شد که حرکت کند. ساعت ۷:۳۰ شب به دانشگاه رسیدیم، سه ساعت پس از حرکت. (مسیری که در حالت عادی یک ساعت و نیم زمان می‌برد، به لطف راننده‌ی محترم سه ساعت طول کشید.) دانشجویان از فرط استیصال و خستگی در کف اتوبوس نشسته بودند.

چه خاطره‌ی جذابی از اولین تجربه‌ی دانشجویی نوورودان! ۳ ساعت سرپا ماندن در میانه‌ی اتوبوس. راستش را بخواهید کمی از خودم خجالت کشیدم. چرا صبح آن روز، آنقدر هندوانه زیر بغل دانشجویان نوورود گذاشتم و «آغاز مسیر پرافتخارشان» را در بهترین دانشگاه ایران تبریک گفتم. به شب نرسیده خودشان واقعیت را درک کردند!

عنوان کمک‌منتور در اختیار داشتند. در تئوری مطرح شده، هر گروه باید در یک آلاچیق مستقر می‌شد و با کمک استاد مربوطه، توضیحاتی به دانشجویان داده می‌شد. برخی از گروه‌ها طبق برنامه پیش رفتند اما

قضیه از جایی به بیراهه کشیده شد که یکی از گروه‌ها در گوشه‌ای آتش روشن کردند، گروهی دیگر با صدای بلند بازی گروهی انجام می‌دادند و برخی هم بی‌هدف در فضای اردوگاه گشت می‌زدند.

پرده‌ی چهارم: جالب است که از پیش هیچ جلسه‌ی توجیهی برای منتورها برگزار نشده بود. نمی‌دانستیم که پس از این باید چه کنیم و برنامه از چه قرار است. به هر زحمتی بود دریافتیم که باید از پله‌ها بالا برویم تا دانشجویان نوورود جویز خود را دریافت کنند. شاید پرسید مگر در این فرایند ساده هم می‌تواند بی‌برنامگی رخ دهد؟ بله می‌تواند. جویز شامل یک کیف با لوگوی علوم پزشکی تهران، یک دفترچه یادداشت، یک پذیرایی و ژتون

شاید بهتر باشد گزارش این جشن را از لحظه‌ی آغازین آن شروع کنیم.

پرده‌ی اول: بی‌برنامگی در زمان حرکت از در پورسینا. اتوبوس‌هایی که قرار بود ساعت ۷:۳۰ به حرکت در بیایند، برای رشته‌ی دندانپزشکی ساعت ۸:۳۰ آغاز به حرکت کردند. البته همه‌ی این عدم هماهنگی‌ها قابل پیش‌بینی بود. مگر می‌شود نزدیک به هزار نفر را در یک نوبت به اردو برد و همه چیز در زمان مقرر شده اتفاق بیفتد. این پیش‌بینی در کلام دانشجویان نوورود هم دیده می‌شد؛ اکثر آن‌ها در مکالمات خود به این نکته اذعان داشتند که تنها دلیل حضورشان در این برنامه، دریافت کارت دانشجویی بوده است.

پرده‌ی دوم: راننده‌ای که نمی‌دانست مقصد کجاست و در به در از مسافران اتوبوس، محل اردوگاه را می‌پرسید. در نهایت پیاده کردن مسافران در فاصله‌ای یک کیلومتری از اردوگاه. بقیه‌ی راه را خودتان پیاده بروید!

پرده‌ی سوم: ورودی اردوگاه. صفی از کارمندان اردوگاه یا شاید هم دست‌اندرکاران اردو منتظر چیزی هستند. اصرار دارند که ما پیاده مسیر را ادامه بدهیم. شروع به حرکت می‌کنیم. در ادامه دسته‌ای از ون‌ها را می‌بینیم که از کنار ما می‌گذرند و به سوی ورودی اردوگاه حرکت می‌کنند. به هر زحمتی که هست به انتهای مسیر و نزدیک سالن اجتماعات می‌رسیم. حال باید چه کنیم؟ چرا نیمی از بچه‌ها که با هم مسیر را شروع کرده بودیم، دیگر همراه ما نیستند؟ این گروه از بچه‌ها، سرگذشت جالبی داشتند: در میانه‌ی راه یک نفر آمده بود و آن‌ها را برگردانده بود: «دوستان لطفا برگردید، باید صبر کنید تا ون‌ها بیایند و با آن‌ها بالا بروید!»

گزارش یک جشن

«آیین استقبال از دانشجویان نوورود سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ دانشگاه علوم پزشکی تهران، در روز دوشنبه مورخ ۱۲ آبان ۱۴۰۴ در اردوگاه الزهرا برگزار شد.»

رضا شهریاری
دندانپزشکی ۴۰۱



پرده‌ی ششم: تا حوالی ظهر، دانشجویان به بحث و گفتگو در گروه‌های مربوطه پرداختند. پس از صرف ناهار نوبت برگشتن به سمت سالن اجتماعات بود. مجدداً به ما اعلام کردند که ون به تعداد کافی وجود ندارد و باید پیاده مسیر آلاچیق تا سالن اجتماعات را طی کنید. به هر زحمتی بود خود را به قسمت غرفه‌ها و سالن اجتماعات رساندیم؛ همراه با کلی گرد و خاک که در مسیر، ون‌های عبوری از کنار ما به خوردمان داده بودند.

پرده‌ی هفتم: برنامه‌ی سالن اجتماعات حوالی ساعت ۴ به اتمام رسید. دانشجویان گروه گروه به سمت سرویس‌ها برای بازگشت به دانشگاه روانه شدند. شاید بدترین خاطره‌ی ممکن برای برخی از دانشجویان در این قسمت اتفاق افتاد. من در انتهای یکی از سرویس‌ها نشسته

ناهار بود. در کمال تعجب نه تنها دانشجویان نوورود که هر فردی که آن‌جا بود این جویز را دریافت می‌کرد. از آن شخصی که با کت و شلوار و محاسن سفید در گوشه‌ای ایستاده بود تا کارمندان دانشگاه و حتی دانشجویان کارشناسی ارشدی که به اشتباه در این مراسم حاضر شده بودند! این نکته بهمانند که دانشجویان همه از خود سوال می‌کردند چگونه باید این کیف حجیم و متعلقات دست و پاگیر آن را تا ساعت ۴ بعد از ظهر با خود حمل کنند.

پرده‌ی پنجم: جمعیت ۹۰۰ نفره‌ی دانشجویان به دو گروه تقسیم شدند، گروه اول به سالن اجتماعات رفتند و گروه دوم به سمت آلاچیق‌ها. هر گروه ۱۵ الی ۲۰ نفر از دانشجویان را شامل می‌شد و هر کدام از این گروه‌ها یک استاد به عنوان منتور و یک دانشجوی سال‌بالایی به



امین طالبی
دندانپزشکی ۴۰۱

افتتاح کتابخانه انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی به نام استاد فقید، دکتر کاظم آشفته یزدی

در روز شنبه، ۲۴ آبان ۱۴۰۴، مراسم افتتاح کتابخانه انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی در محل همین دانشکده برگزار شد. این کتابخانه به نام استاد فقید، دکتر کاظم آشفته یزدی نام گذاری شد و همزمان، مراسم یادبودی برای پاسداشت مقام علمی و اخلاقی ایشان برگزار گردید.

در این برنامه که با حضور جمعی از استادان، دوستان و همکاران مرحوم دکتر آشفته یزدی همراه بود، سخنرانان به بیان خاطرات و ویژگی‌های اخلاقی این استاد فقید پرداختند. پیش از این مراسم، با انتشار فراخوانی از سوی انجمن اسلامی، استادان دانشکده با مساعادت مالی و اهدای کتاب‌های خود، سهم بسزایی در غنای منابع این کتابخانه ایفا کردند که منجر به افزوده شدن حدود ۱۰۰ جلد کتاب جدید به این مجموعه شد. هم‌اکنون این کتابخانه با دارا بودن حدود ۱۰۰۰ جلد کتاب در حوزه‌های متنوعی اعم از تاریخ، سیاست، مذهب، ادبیات ایران و جهان، شعر، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... آماده است تا فعالیت خود را آغاز کند.

در پایان مراسم، استادان و دانشجویان در محل دفتر انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی حاضر شدند و از تابلوی جدید این کتابخانه رونمایی به عمل آمد. این رویداد، می‌تواند گام مهمی در تقویت فعالیت‌های فرهنگی و علمی در محیط دانشکده دندانپزشکی محسوب شود.

پایان زودهنگام هفته دیزاین در دانشگاه تهران

امیررضا شهنی
پزشکی ۴۰۳

هفته دیزاین زیر سایه حواشی و اعتراضات پایان یافت.

□ رویداد «هفته دیزاین» که قرار بود از ۲۰ تا ۲۶ آبان در دانشکده‌های هنر و معماری دانشگاه تهران برگزار شود، به‌دنبال بروز حواشی و مشکلات اعلام‌شده از سوی برگزارکنندگان، یک روز پیش از موعد متوقف شد.

□ بر اساس اطلاعیه روابط عمومی دانشگاه تهران که ظهر یکشنبه ۲۵ آبان منتشر شد، «استقبال فزاینده از ظرفیت پیش‌بینی شده»، «تراکم جمعیت» و «احتمال بروز آسیب‌های ایمنی به‌علت استفاده از تجهیزات نور و صدا»، از دلایل اصلی پایان زودهنگام این برنامه عنوان شده است.

□ در همین حال، برخی حواشی و اعتراضات دانشجویی نیز به‌عنوان عوامل مؤثر در توقف رویداد مطرح شده‌اند.

□ هم‌زمان، بسیج دانشجویی پردیس هنرهای زیبا در بیانیه‌ای انتقادی، این برنامه را «کم‌مایه و بی‌هدف» خواند و مدعی شد «تنها کارکرد این‌گونه رویدادها پر کردن جیب برخی افراد است». این تشکل دانشجویی همچنین در واکنش خود نوشت که برگزاری چنین برنامه‌هایی «دانشگاه را به محلی برای سرگرمی‌های ناهنجار» تبدیل می‌کند.



این روزها دانشگاه خبر؟

۲۸۷۷

این هفته، دانشگاه روی دور تند

علی محمودی
پزشکی ۴۰۱



کانون تئاتر دانشگاه تهران

حلقه مطالعاتی مروی بر تاریخ نمایش
شنبه ها، ساعت ۱۶
باشگاه دانشجویان، کافه گفتگو

کانون سها

حلقه ادبیات فانتزی هری پاتر
سه شنبه ۲۷ آبان ماه
ساعت ۱۵
تالار دکتر معتمدی

دومین دوره جشنواره بین المللی عکس

مسابقه عکس "تصویر جوان ایرانی"
آخرین مهلت ارسال آثار: ۳ آذر

انجمن علمی زبان ایتالیایی

حلقه مطالعاتی داستان کوتاه (فلاچی خوانی)
چهارشنبه ۲۸ آبان ماه
ساعت ۱۲

کانون بیان جهاد دانشگاهی

چهاردهمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران
مهلت ثبت نام: تا ۷ آذر
زمان برگزاری: نیمه دوم آذر

هیئت انوارالزهره دانشگاه علوم پزشکی تهران

برگزاری مراسم روضه
چهارشنبه ۲۸ آبان
نمازخانه سازمان مرکزی دانشگاه

انجمن اسلامی دانشکده ادبیات و علوم

حلقه "تاریخ معاصر ایران"
شنبه ها، ساعت ۱۶:۳۰
دفتر انجمن اسلامی دانشکده ادبیات

بنیاد رودکی به رهبری سحرانزلی

شب یوهان سباستین باخ
دوشنبه تا چهارشنبه (۲۶ تا ۲۸ آبان)
تالار رودکی

کانون علوم انسانی نبض اندیشه

مواجهه و مدیریت فرسودگی شغلی (BURN OUT)
ویژه حرفه‌مندان سلامت
چهارشنبه ۲۸ آبان ماه؛ ساعت ۱۵
تالار دانشجو

کانون مهدویت علوم پزشکی تهران

تئاتر بزرگ هامان
سه شنبه ۴ آذر
سالن همایش‌های برج میلاد

کانون تئاتر دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، علامه طباطبائی، شریف و خوارزمی

تماشای گروهی نمایش "شکستن امواج"
سه شنبه ۲۷ آبان، ساعت ۲۰:۴۵
تماشاخانه‌ی لیخند

کانون قرآن و عترت

دوره مقدمات تدبیر در قرآن
سه شنبه ۲۷ آبان ماه
ساعت ۱۵
تالار دهشور



امیر طالبی
دندانپزشکی ۱۴۰۱

در اقدامی که منتقدان آن را محدودکننده استقلال تشکلهای دانشجویی می‌دانند، معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران در نامه‌ای به تمامی معاونت‌های فرهنگی دانشکده‌های زیرمجموعه، اخذ مجوز قبلی برای هرگونه برنامه و فعالیت تشکلهای اسلامی و انجمن‌های علمی دانشجویی را الزامی کرد.

این نامه در تاریخ ۲۳ مهر ۱۴۰۴ به امضای دکتر پورغریب، معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه رسید.

بر اساس این دستورالعمل، کلیه برنامه‌های تشکلهای اسلامی (شامل انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی) باید پیش از اجرا در «شورای فرهنگی دانشکده» مطرح و مجوز لازم را دریافت کنند. همچنین انجمن‌های علمی نیز موظف شده‌اند فعالیت‌های خود را تنها با مجوز «کمیته نظارت بر انجمن‌های علمی» دانشکده انجام دهند. در این نامه تأکید شده که هرگونه استفاده از نام، اعتبار یا امکانات دانشکده منوط به ارائه «مجوز کتبی معتبر» است و عدم اخذ مجوز «تخلف» محسوب می‌شود.

این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد هدف اصلی آن، افزایش نظارت و کنترل متمرکز بر فعالیت‌های دانشجویی باشد. الزام به ارائه گزارش عملکرد پس از هر برنامه و نیاز به اخذ مجوز برای کوچک‌ترین فعالیت‌ها، می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده برای پویایی و خودجوشی تشکلهای دانشجویی عمل کند. این رویکرد جدید، نگرانی‌هایی را در مورد محدود شدن فضای فعالیت مستقل دانشجویی در دانشگاه ایجاد کرده است.

با این حال، مسئله فقط یک سازه یا اتاقک نیست. موضوع اصلی، نسبت میان قانون و نهادهایی است که برای خودشان پاسداری از قانون را قائل بوده، اما خود از چارچوب آن عبور می کنند. اگر میرزا یوسف خان تبریزی مستشارالدوله زنده بود شاید دوباره همان یک کلمه را به عنوان رساله مینوشت.

شاید حالا زمان آن رسیده باشد که در کنار بازسازی فضاها و ساختمانها، به بازسازی اعتماد هم فکر شود - اعتمادی که ریشه در شفافیت و مسئولیت پذیری دارد. نهادهایی که پاسداشت قانون را وظیفه خود می دانند، سزاوارتر است خودشان برای ابراز پایبندی به همان قانون مطلوب خودشان داوطلب شوند.

تمام ما خواستار رعایت روح قانون در تمام ادارات و دفاتر کشورمان هستیم. در زمانه ای که متن قانون جایی خودش را نقض می کند به راحتی با تتمه و تبصره ای قابل اغماز می شود، پایبندی به روح قانون از جانب مقنن و مجریان اهمیت بیشتری پیدا می کند.

رسانه ی پورسینا از روابط عمومی محترم دانشگاه خواهشمند است اصل مستندات و مدارک مربوط به مکاتبه با سازمان میراث فرهنگی را منتشر کند. بی شک انتشار این مدارک و شفافیت امور دانشگاه گامی مهم و اثر گذار در جهت بازسازی و مرمت اعتمادی است که چندسالی است از ساختمان های دانشگاه در ذهن دانشجویان فرسوده تر شده.

رسانه ی پورسینا با کمال میل تمام مدارک و مستندات ارائه شده را انتشار خواهد داد تا خود پیش قدم شفافیت و اجرای روح قانون باشد.

دانشگاه تهران برای بخش زیادی از مردم جایگاهی فراتر از یک نهاد آموزشی دارد.

اینجا قلب تپنده ی آکادمی در ایران بوده، هست و احتمالاً خواهد بود. دانشگاه تهران یک میراث واقعا ملی (سازه های واقعا ملی در کشور انگشت شمارند اما دانشگاه تهران بی شک یکی از آنهاست) است. با این حال، ماجرای اخیر در پورسینا نشان می دهد که گاه تصمیم هایی در این محدوده ثبت شده به عنوان میراث ملی، حتی بدون طی کردن مسیرهای

فرهنگی-تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می گردد.» جست و جوی ما در آرشیو میراث فرهنگی برای یافتن قرارداد، تفاهم نامه یا استعلام مجوز ساخت و ساز در دانشگاه به تاریخ مذکور به جایی نرسید. پیشتر هم سازمان میراث فرهنگی و حتی بنیاد حامیان دانشگاه تهران سابقه ی اعتراض به ساخت و ساز و مرمت غیرکارشناسانه به این موضوع را داشته اند.

دی ماه ۱۴۰۲، طرح ساخت اتاق گیت در پورسینا کلید خورد. گفته بودند این طرح از مدت ها پیش در دستور کار دانشگاه قرار داشته، اما به دلایل مختلف هیچ گاه به سرانجام نرسیده بود.

در جایی که تعمیر کردن سوکت یک میکروفون برای کلاس درس دانشجویان دو ماه زمان می برد، سازه ی دائمی اتاقک حراست در پورسینا ظرف حدود دو هفته ساخته و آماده ی استفاده شد.

پاییز همان سال، تمام درهای دانشگاه تهران نیز دارای اتاقک حراست و گیت ورودی شدند؛ اما یک تفاوت میان این دو وجود دارد.

اتاقک های ورودی دانشگاه تهران سازه هایی کانکس مانند و موقت اند و برای احداثشان ساخت و ساز یا عملیات عمرانی صورت نگرفته است.

اما چرا؟ برای پاسخ به این پرسش، به چند مصوبه، قانون و تبصره اشاره خواهیم کرد.

در جلسه ی وزارت میراث فرهنگی در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۷۸، تمام محوطه ی پردیس مرکزی دانشگاه تهران با شماره ی ۲۴۴۵ به عنوان میراث ملی ثبت گردید.

این اتفاق به این معنی است که حفظ و نگهداری از این بنای تاریخی شامل ضوابط، الزامات و شرایط خاصی می شود.

یکی از مهم ترین این ضوابط، به استناد ماده ی ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی، بدین صورت تشریح شده است:

«هر کس بدون اجازه ی سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور، به مرمت، تعمیر، تغییر، تجدید یا توسعه ی ابنیه و تزئینات اماکن

میراث ملی یا ملک شخصی؟

پرونده ای در جست و جوی سرنوشت قانون و اعتماد

در قلب دانشگاه تهران - علوم پزشکی تهران - خانه ی همه مان، سازه ای برپا شده است که تا این لحظه، در جست و جوی ما، نشانی از مجوز یا استعلام رسمی برای ساخت آن یافت نشده است. قانون، همان پزشکی حافظ جان جامعه است؛ اما وقتی این پزشک خود خطا کند، چه کسی حافظ سلامت قانون می شود؟

قانونی یا استعلام از نهادهای مسئول، به مرحله ی اجرا می رسند. در حالی که حتی قانون برای حفاظت از چنین بناهایی صراحت دارد، اجرای برخی طرح ها پرسش هایی را درباره ی نظارت و شفافیت به میان آورده است.

نمونه های مشابهی در گذشته هم وجود داشته؛ از مرمت های غیرکارشناسی گرفته تا ساخت و سازهایی که بعدها با اعتراض دانشجویان یا کارشناسان متوقف شده اند؛ و همین توقف دانشگاه را ملزم به به طی کردن روند قانونی کرده مرمت آثار ملی کرده.

همین چندماه پیش بود که با اصرار دانشجویان و دلسوزان این اثر ملی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی ماه ها پس از شروع بازسازی طبقات بالایی این دانشکده، حاضر به همکاری با نهاد مربوطه شدند.

با اینکه دانشگاه علوم پزشکی تهران در بهمن ماه سال ۱۴۰۲ برای گسترش توریسم سلامت با سازمان میراث فرهنگی تفاهم نامه امضا کرده، به نظر می رسد هیچ اشاره ای به مجوز ساخت و ساز در آن نشده است.

آشنایی با پژوهش

قسمت اول

احتمالاً بارها شنیدی وقتی درباره یه کیس پزشکی یا یه سوال علمی بحث میشه می گن «باید به اویدنس (شواهد) رجوع کنیم». ولی این اویدنس دقیقاً چیه و آیا همه شون قابل اعتمادن؟ «هرم سطوح شواهد» (Levels of Evidence Pyramid) یه مدل ساده ست که نشون می ده کدوم تحقیقات اعتبار بیشتری دارن.



پایین هرم، نظر متخصصان (Expert Opinion) و منابع عمومی جا گرفتن. مثلاً وقتی یه دکتر میگه «من همیشه این دارو رو تجویز می کنم و جواب داده»، تجربه ارزشمند ولی علمی؟ نه احتمالاً. یک پله بالاتر، گزارش های موردی (Case Report) و سری موارد (Case Series) هستن؛ مثلاً وقتی چند بیمار با یه عارضه خاص گزارش می شن و به جور مکتوب شده همون نظر متخصص هاست. این ها برای کشف چیزای جدید خوبن، اما از شون نتیجه قطعی نمیشه گرفت.

بعدش مطالعات مورد-شاهدی (Case-Control) هست که به صورت گذشته نگر ارتباط ها رو بررسی می کنن ولی علت و معلول رو نه. بالاتر، مطالعات هم گروهی (Cohort study) قرار دارن که روند بیماری رو با گذر زمان دنبال می کنن و قابل تکیه ترن. نزدیک بالای هرم، کارآزمایی بالینی تصادفی (RCT) رو می بینیم که با تقسیم تصادفی بیماران به دو گروه مداخله و کنترل، اثر واقعی دارو یا درمان رو بهتر نشون میدن.

در رأس هرم، مرورهای نظام مند (Systematic Review) و فراتحلیل ها (Meta-Analysis) هستن که چند مطالعه قوی رو با هم ترکیب می کنن و یه نتیجه کلی تر میدن. البته کیفیت مطالعه هم مهمه؛ یه RCT ضعیف ممکنه از یه Cohort دقیق هم کم اعتبارتر باشه. ابزارهایی هم برای ارزیابی کیفیت هر کدوم از این مطالعات وجود دارن. پس در کل این هرم کمک موندن می کنه بدونیم به کدوم شواهد بیشتر تکیه کنیم تا تصمیم هامون علمی تر و مطمئن تر باشه. همچنین می دونیم تنوع پزشکی این هرم خودش قطعه ای از یه هرم بزرگتره؛ می دونی سطوح شواهد بالاتری که اینجا نیومده کدوما هستن؟

وقتی بدن حرف می زند!

علی زراعتکار
پزشکی ۹۹



بی تردید سال های اخیر دلایل زیادی برای گریه به ما داده اند، اما واقعیت این است که حتی پیش از آن نیز چندان از اشک فاصله نداشته ایم. پژوهش ها نشان می دهد زنان آمریکایی به طور میانگین ۳/۵ بار در ماه و مردان حدود ۱/۹ بار در ماه اشک می ریزند. این آمار شاید برای بسیاری شگفت انگیز باشد، چراکه جامعه اغلب گریستن به ویژه در مردان را نشانه ای از ضعف یا کم ظرفیتی عاطفی می داند.

*ترجمه شده از وبسایت انتشارات سلامت هاروارد با اندکی تغییر

فواید سلامتی گریستن

گریه، پدیده ای منحصر به فرد در انسان است و پاسخی طبیعی به طیف گسترده ای از احساسات به شمار می رود؛ از اندوه و سوگ عمیق تا شادی و هیجان شدید. اما آیا گریه برای سلامت مفید است؟ پاسخ دانش امروز مثبت است.

از دوران یونان و روم باستان، اندیشمندان و پزشکان بر این باور بودند که اشک مانند ماده ای بالابنده، روان انسان را از غم و تنش پاک می کند. روان شناسی مدرن نیز با این دیدگاه هم نظر است و گریه را مکانیسمی برای رهایی از فشارهای روحی و هیجانی می داند.

گریه در واقع نوعی سوپاپ ایمنی برای ذهن و بدن است. در مقابل، سرکوب احساسات دشوار - آنچه روان شناسان «سبک مقابله ای واپس زننده» می نامند - می تواند پیامدهای نامطلوبی برای سلامت داشته باشد. پژوهش ها نشان داده اند چنین رویکردی با تضعیف سیستم ایمنی، افزایش خطر بیماری های قلبی عروقی و فشارخون بالا، و نیز با بروز اختلالات روانی مانند اضطراب، استرس و افسردگی ارتباط دارد.

در مقابل، گریستن می تواند رفتارهای دلبستگی را تقویت کند و حس همدلی، صمیمیت و حمایت اجتماعی را افزایش دهد.

همه ی اشک ها شبیه هم نیستند

دانشمندان اشک انسان را به سه نوع اصلی تقسیم می کنند: اشک های رفلکسی، اشک های پیوسته و اشک های عاطفی. دو نوع نخست وظیفه ی پاک سازی ذراتی مانند گردوغبار و دود از چشم و مرطوب نگه داشتن سطح آن را بر عهده دارند. این اشک ها عمدتاً از آب تشکیل شده اند و نقش محافظتی دارند.

اما اشک های عاطفی، که در واکنش به احساسات بروز می کنند، ترکیب شیمیایی متفاوتی دارند و بیشترین فواید سلامت را به همراه می آورند. مطالعات نشان داده اند این نوع اشک ها با دفع هورمون های استرس و برخی مواد سمی از بدن مانند کورتیزول، ACTH و مگنیز، به تعادل روانی

کمک می کنند. همچنین، گریه باعث آزاد شدن اکسی توسین و اندورفین ها می شود؛ مواد شیمیایی طبیعی بدن که حس آرامش و تسکین درد را افزایش می دهند. فرهنگ عامه نیز از دیرباز ارزش یک «گریه ی از ته دل» را می داند. تماشاگران فیلم های احساسی مانند تایتانیک یا مدفن کرم های شب تاب به خوبی تجربه کرده اند که اشک گاهی می تواند هم رهایی بخش و هم لذت بخش باشد.

بازنگری در گریه ی مردان

ترانه ای قدیمی می گوید: «مرد برای هضم دلتنگی اش گریه نمی کنه، قدم میزنه». این جمله به خوبی چالش بسیاری از مردان را در ابراز احساسات نشان می دهد.

از کودکی به پسران گفته می شود «مرد واقعی گریه نمی کنه!». این پیام نادرست باعث می شود آنان در بزرگسالی احساسات خود را سرکوب کنند، از دیگران فاصله بگیرند یا برای فرار از فشار روانی به رفتارهای مخرب روی آورند. در دهه ی ۱۹۹۰، شاعر آمریکایی رابرت بلاوی در کارگاه هایی ویژه ی مردان تلاش کرد آنان را تشویق کند با احساسات سرکوب شده ی خود روبه رو شوند و در صورت نیاز، آزادانه یگریند. با این حال، بهترین زمان برای آموزش چنین مهارتهایی دوران کودکی است، زمانی که خانواده و مدرسه باید فضایی امن برای بیان احساسات پسران فراهم کنند.

جمع بندی

پذیرفتن احساساتی مانند اندوه و سوگ، هرچند دشوار، سالم ترین راه مواجهه با آن هاست. اگر احساس گریه دارید، به خود اجازه دهید اشک بریزد و زمانی مناسب و محیطی امن برای آن بیابید. گریه در بسیاری از موارد نه نشانه ی افسردگی، بلکه نشانه ی روند طبیعی بهبود و ترمیم روانی است. آموزش این موضوع به پسران و مردان جوان که گریستن امری طبیعی است، می تواند از بروز رفتارهای ناسالم جلوگیری کرده و به داشتن زندگی متعادل تر و سالم تر کمک کند.

موازی کاری؟! مسئله این است.

روابط عمومی کانون نبض
اندیشه جهاد دانشگاهی

الان که در حال خواندن این متن هستید، اولین دوره مسابقه متن نویسی ما تحت عنوان "جایزه دکتر امیر معتمدی" به پایان رسید و آثار در حال داوری هستند و ما بسیار مشتاق برای مشخص شدن اثر برنده.

ما برای مسابقه‌مان چه خون دل‌ها که نخوردیم؛ از ایده‌پردازی‌ها و همفکری تا پیدا کردن داورهای تراز اول که بتوانند افتراق خوبی بین متن‌های باکیفیت شرکت‌کننده‌ها قائل شوند. بالاخره دکتر امیر معتمدی برای ما جوانه‌ای‌ها یک نماد است و یادبودش هم باید در خور مقامشان باشد.

ولی خب در خبرها دیدیم که مسابقه‌ای با همان عناوین و احتمالا پر زرق و برق‌تر از طرف دوستانمان به صورت موازی شروع شده است. کاش می‌گذاشتید این حیطه برای ما فرهنگی‌ها بماند و به اصل خود که بنا بر "پژوهش‌های علمی و فناوری دانشجویان" بود برمی‌گشتید.

البته که ما به فال نیک می‌گیریم و همزمان شدن دو مسابقه‌ای که قبلا در دانشکده سابقه نداشته را حاصل بارش ایده به طور همزمان به ذهن برگزارکنندگان هر دو دوره در نظر می‌گیریم؛ مگر می‌شود غیر از این باشد؟

موسیقی سنتی ایرلندی با ویولن اجرا شد و پس از معرفی کوتاهی از انجمن اسلامی و رویکرد آن، میهمانان با خوراکی‌های سنتی ایرلندی (چای دارچین و پای سیب) پذیرایی شدند. هدایای انجمن، شامل بروشورهای شخصیت‌های خدایان ایرلندی، استیکر و دستبندهای هفت‌گره بافته‌شده (Celtic Knot) یا گره‌های سلتی که نمادهایی تزئینی و باستانی در فرهنگ ایرلندی هستند. به مخاطبان تقدیم شد.



این جشنواره تجربه‌ای جذاب و آموزشی برای دانشجویان بود. تلاش هماهنگ و خلاقیت اعضای انجمن باعث شد تا برنامه با موفقیت برگزار شود و توجه شرکت‌کنندگان را جلب کند. با حضور نزدیک به ۱۵۰ نفر، این جشنواره یکی از پرجمعیت‌ترین رویدادهای تاریخ زبان‌ها به شمار می‌رود؛ به طوری که حتی بسیاری از شرکت‌کنندگان فرصت پیدا نکردند وارد سالن شوند و روی پله‌ها و در ورودی ایستادند. این موفقیت انگیزه‌ای شد برای برگزاری برنامه‌های مشابه در آینده با محوریت فرهنگ‌های دیگر ملل و ارتقای سطح فرهنگی دانشجویان.



انجمن اسلامی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجه، ضمن قدردانی از تلاش تمامی اعضا، از حمایت‌های بی‌دریغ ریاست محترم و معاونت مالی این دانشکده تشکر می‌نماید.



اولین برنامه‌ی انجمن اسلامی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجه با هدف جذب بیشتر دانشجویان و ارائه‌ی تجربه‌ای فرهنگی و آموزشی برگزار شد. ایده‌ی اصلی جشنواره معرفی سنت‌های ملل مختلف بود که جذابیت زیادی برای دانشجویان داشت. با توجه به تمرکز دوره‌ی زمانی بر فرهنگ‌های ایرلندی، تصمیم گرفته شد تا این جشنواره با محوریت بررسی تاریخ و فرهنگ مردم ایرلند و بررسی ریشه‌های هالووین (جشنی در شب ۳۱ اکتبر با ریشه در آیین‌های مسیحی و سنتی) برگزار شود.



در روز اجرا، مراسم با صحنه‌ای هیجان‌انگیز آغاز شد: بنشی (Ban Sidhe یا Banshee) یک روح مؤنث در افسانه‌های ایرلندی که ناله‌اش خبر از مرگی قریب‌الوقوع می‌دهد)، پری خبیث، روی صحنه آمد و با جیغ کشیدن، تمامی لامپ‌ها خاموش شد تا فضایی مرموز ایجاد گردد. سپس دو مجری با کاستوم (لباس مخصوص و تزئین شده) خدایان ایرلندی، موریگان (The Morrigan): ایزدبانوی جنگ و سرنوشت در اساطیر ایرلندی) و داگدا (The Dagda): یکی از برجسته‌ترین خدایان در اساطیر ایرلندی، معروف به خدای خوب)، در تاریکی شمع‌به‌دست روی صحنه آمدند و اجرای برنامه را با توضیح و ارائه پاورپوینت درباره تاریخ و فرهنگ ایرلندی و باورهای مردم ایرلند در شب سَمهین (Samhain): جشن پایان فصل برداشت و آغاز زمستان در فرهنگ سلتی، که به عنوان یکی از ریشه‌های هالووین شناخته می‌شود) و ریشه‌های هالووین آغاز کردند.

از این‌رو، اسپینوزا را وحدت‌گرا می‌نامند؛ زیرا خدا را نیز معادل همین کل می‌داند. در نگاه اسپینوزا، بدن انسان یک واقعیت واحد است که از دو زاویه می‌توان آن را بررسی کرد:

- صفت ذهن: از منظر افکار (تحلیل روانی)،
- صفت امتداد: از منظر مکانیکی (جابه‌جایی یون‌ها در نورون‌ها و انتقال پیام عصبی به ماهیچه).

آن‌ها وجود داشته باشد. دکارت این نقطه را غده پینه‌آل می‌داند. این همان دوگانه‌انگاری یا دوالیسم دکارتی است. اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷) در بسیاری از مبانی با دکارت هم‌نظر است، اما تفاوت کلیدی در اینجاست که او تنها یک جوهر را می‌پذیرد: جوهر واحد، بنیاد همه طبیعت است. ذهن و امتداد، دو صفت (Attributum) از این جوهرند که انسان - به عنوان بخشی از طبیعت - می‌تواند آن‌ها را درک کند.

آن یافت؛ برای مثال، جسم دارای حجم است، حجم از سه بعد تشکیل شده، اما بعد دیگر بر چیزی استوار نیست. بنابراین، یکی از جوهرها امتداد یا همان بعد است (Res Extensa). جوهر دیگر، ذهن (Res Cogitans) است که ویژگی اصلی آن تقسیم‌ناپذیری است (برخلاف جوهر امتداد). بدین ترتیب، دو جوهر متمایز داریم: (۱) ذهن (۲) امتداد. انسان هر دو را تجربه می‌کند، پس باید نقطه‌ای برای تعامل

یکی از جذابیت‌های تاریخ درهم‌تنیده علم و فلسفه، بررسی پاسخ‌های ساده‌ای است که نوابغ قدیم به پرسش‌های پیچیده داده‌اند. رابطه «ذهن» و «بدن»، از مسائل مهم تفکر بشری بوده؛ مسئله‌ای که هنوز هم در آثار متفکران معاصر محل بحث است. در این نوشتار، به طور مختصر به دیدگاه دو فیلسوف قرن هفدهم درباره این موضوع می‌پردازیم (دکارت و اسپینوزا) و در شماره‌های بعدی، نتایج اجتماعی اندیشه اسپینوزا را بررسی خواهیم کرد.

دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) بخش مهمی از نظام فلسفی خود را بر این مسئله (ذهن و بدن) بنا کرده است. او جهان را به دو جوهر تقسیم می‌کند. جوهر، در نظر دکارت، مبنایی است که دیگر نمی‌توان چیز بنیادی تری برای

ذهن و بدن

دکارت و اسپینوزا

سپینا غلامپور
پزشکی ۴۰۱



در قسمت بعد:
از همین بحث‌های به ظاهر بی‌اهمیت درباره ذهن و بدن، یک اندیشه سیاسی قدرتمند بنا می‌شود؛ به طوری که تا حوالی انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، کتاب‌های اسپینوزا ممنوعه بودند.

خارجی؛ تقلیل مفهوم «استقلال» به «انزوا»؛ و تبدیل سیاست خارجی به میدان جنگ ایدئولوژیک، نه منافع ملی. ۱۳ آبان، مسیر توسعه ایران را از «تعامل سازنده» به «مقاومت فرسایشی» منحرف کرد؛ و از دل همان فضا، نسل و منشی تربیت شد که «ضدیت» را جایگزین «تعامل» و «هیجان» را جایگزین «خرد» ساخت.

اعتراف دیر هنگام و درس هنوز ناآموخته

اکنون، بیش از چهار دهه بعد، بسیاری از عاملان آن واقعه - از هاشمی و ابتکار تا اصغرزاده و عبادی - آشکارا به خطا بودن اقدام خود اذعان کرده‌اند. با این حال ساختار سیاسی، همچنان از منطق همان دوران تغذیه می‌کند: منطق تقابل، نه گفت و گو.

تردیدی نیست که هر رویداد تاریخی در بستری خاص شکل می‌گیرد، اما این همدلی تاریخی نباید به چشم‌پوشی و توجیه اخلاقی بینجامد؛ ۱۳ آبان باید به‌عنوان درسی در خطای شور انقلابی شناخته شود، نه افتخاری تکرارپذیر.

آن روز در هیاهوی شعار و احساس، گروهی از ملت ایران بی‌آنکه بدانند نخستین در گفت‌وگو با جهان را بست و تا هنوز، همه‌ی ملت بهای آن بسته بودن را می‌پردازند.

در غیاب رابطه با قدرت‌های جهانی و با شعار «نه شرقی، نه غربی»، کشور از پشتیبانی سیاسی و تجهیزات دفاعی محروم ماند. اقتصاد دولتی‌شده‌ی ناشی از ذهنیت چپ‌گرایانه، همراه با کنترل‌های ایدئولوژیک مذهبی، ساختار تولید را فلج کرد. نظام آموزش و دانشگاه‌ها با تسویه‌های سیاسی از نخبگان تهی گشت؛ فرار مغزها آغاز شد و بدنه حاکمیت از مدیران میانه‌رو و متخصص محروم ماند.

تبعات بلندمدت:
ایران منزوی در قرن بیست‌ویکم از آن روز تا امروز، هر گره در سیاست خارجی و اقتصادی ایران، به‌نحوی ریشه در همان واقعه دارد:

دشمنی پایدار با آمریکا و محرومیت از روابط عادی جهانی؛ استمرار تحریم‌ها و قطع پیوندهای مالی و بانکی؛ بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران

تبعات کوتاه‌مدت:
سقوط دولت و انزوای فوری در نخستین ماه‌ها، پیامدها آشکار شد:

استعفای دولت موقت و حذف جریان لیبرال مذهبی؛ قطع روابط دیپلماتیک با غرب؛ آغاز نخستین تحریم‌ها؛ تشدید اختلافات درون حاکمیت؛ و گسترش فضای امنیتی در داخل. آنچه باید دوران نهادسازی و بازسازی پس از انقلاب می‌شد، به میدان تسویه‌حساب‌های ایدئولوژیک بدل گشت؛ و ایران، به‌جای تثبیت قانون کارآمد و نظم اداری، در دام شعار و دشمن‌سازی افتاد.

تبعات میان‌مدت:
جنگ، انزوا و اقتصاد آسیب‌دیده حمله عراق در سال ۱۳۵۹، ایران را وارد جنگی هشت‌ساله کرد؛ جنگی که اگرچه آغازش مسئولیتی خارجی داشت، اما ادامه‌اش زیر سایه همان فضای ضدغربی و انزوای دیپلماتیک شکل گرفت.

«زمینه» هرگز توجیه نیست. نویسنده محترم در متن پیشین، درست می‌گوید که فضای حاکم و زمینه‌ها (انسداد سیاسی دهه ۱۳۴۰، نابرابری، نفوذ خارجی و غیره) تسریع‌کننده فوران خشم اجتماعی بوده؛ اما پذیرش یا توجیه عمل غیرقانونی تسخیر سفارت به‌عنوان نتیجه طبیعی این زمینه‌ها، خطایی فلسفی و سیاسی است: زمینه، علت مساعدکننده است، نه مجوز انجام عمل فراقانونی که حقوق انسانی و دیپلماسی را نقض کند. این اشتباه تفسیر، تاریخ را از علت به معلول جابجا می‌کند و هر جا چنین شود، مسئولیت عمل نادیده گرفته می‌شود. تاریخ را باید فهمید، اما نمی‌توان از آن برای تبرئه‌ی خطا استفاده کرد. زمینه‌ها جای علت را نمی‌گیرند!

نقطه انحراف انقلاب
به تعبیر آبراهامیان - در کتاب ایران بین دو انقلاب - این واقعه نقطه‌ای بود که «انقلاب از مسیر سیاسی به مسیر ایدئولوژی کور رانده شد.» آنچه در ظاهر به نام «انقلاب دوم» شناخته شد، در واقع برابند پیوند دو جریان بود: شور انقلابی مذهبی و ذهنیت چپ‌گرای ضدامپریالیستی. ترکیبی که آغاز انجماد عقلانیت سیاسی در ایران معاصر بود و تبعات آن، نه تنها کوتاه‌مدت، بلکه تاریخی و ماندگار شد.